



انحصار یا عدم انحصار موضوعات متعلق زکات

پدیدآورنده (ها) : بختیاری، مجید

فقه و اصول :: نشریه فقه اهل بیت :: بهار و تابستان ۱۳۹۵ - شماره ۸۵ و ۸۶ (علمی-ترویجی/ISC)

صفحات : از ۲۷۴ تا ۳۰۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1394837>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- انحصار یا عدم انحصار بدیعی فواصل آیات؟
- مبانی نظریه عدم انحصار وجوب زکات در موارد نهگانه
- استقلال یا عدم استقلال عقد صلح در فقه و حقوق ایران
- انطباق یا عدم انطباق تبصره ۲۹ بندهای (ب، ه، و، دال، ل، ی و ک) لایحه بودجه ۱۳۸۰ با برنامه سوم درباره لایحه بودجه ۱۳۸۰ - شماره (۳۰)
- تجزیه پذیری یا عدم تجزیه پذیری دعاوی مطالبه اسناد تجاری از حیث موضوع و آراء صادره
- بررسی توفیق یا عدم توفیق در مدل جامعه‌شناسی تاریخی تحلیل سیاست خارجی
- کیفیت حاکمیت شرکتی درونی و بیرونی، عدم تقارن اطلاعاتی و نگهداشت وجه نقد: افزایش یا کاهش ارزش شرکت؟
- بررسی تغییر پیشنهادی در آیین‌نامه‌های اجرایی معاملات بخش عمومی (امکان یا عدم امکان انعقاد قرارداد با تعاونی‌های کارکنان و صندوق‌های بازنشستگی وابسته)
- بررسی وجود یا عدم «ترمیدور» در انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب
- انحلال یا عدم انحلال عقود امانی در اثر تعدی و تفریط

انحصار یا عدم انحصار موضوعات متعلق زکات

○ مجید بختیاری

چکیده

زکات از مهم ترین بحث های فقه اقتصادی است، بررسی موضوعات متعلق و جوب زکات، نیز در این حوزه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این باره دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول انحصار موضوعات متعلق زکات در همان نه چیز زمان پیامبر (ص) و دیدگاه دوم عدم انحصار موضوعات متعلق زکات است. طرفداران دیدگاه دوم معتقدند دامنه این موضوعات به اقتضای زمان قابل تغییر است، چنانکه در زمان امیر المؤمنین (ع) به بیش از نه مورد زمان پیامبر (ص)، افزایش یافت. در استدلال های هر دو دیدگاه، احادیثی صحیح وجود دارد که موجب تعارض ظاهر این احادیث با یکدیگر شده و فقها برای رفع تعارض راهکارهایی ارائه کرده اند. در ادامه بحث پس از ذکر احادیث مورد استناد هر دو گروه، این راه حل ها ذکر و به تفصیل به بررسی آنها پرداخته شده است.

کلید واژگان: زکات، موضوعات متعلق زکات، انحصار و عدم انحصار موضوعات متعلق زکات

مقدمه

زکات از موضوعات اقتصادی اسلام است که دربر دارنده توازن و تقویت پایه‌های اقتصاد جامعه اسلامی می‌باشد. زکات از موضوعاتی است که در اسلام فراوان بدان سفارش شده است. تقریباً در هر جای قرآن کریم که به نماز سفارش شده، در کنار آن و هم‌ردیف آن به زکات نیز توصیه شده است^۱.

بیان مسأله

آیات و روایات وارد شده در باب زکات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. آیات و روایات دربر دارنده اهمیت پرداخت زکات.
 ۲. آیات و روایات در باب موضوعات متعلق زکات یا آیات و روایات بیانگر موضوعات اخذ زکات.
 ۳. آیات و روایات بیان‌کننده راه‌های مصرف زکات.
- بحث این نوشتار، موضوع دوم، یعنی بررسی موضوعات متعلق زکات، به ویژه زکات مال التجاره است.
- در باره موضوعات متعلق زکات دو دیدگاه عمده وجود دارد. پیش از ورود به بحث اصلی، به بیان این دو دیدگاه اشاره می‌شود:
- دیدگاه اول:** قول مشهور، متعلق زکات، منحصر در موضوعات نه‌گانه (شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما، کشمش، طلا و نقره) است؛ از این رو ذکر دیگر موضوعات، در لسان روایات را یا از باب استحباب زکات در غیر از موضوعات نه‌گانه می‌دانند، یا اینکه معتقدند امام در این روایات تقیه کرده و زکات را به غیر از موضوعات نه‌گانه تعمیم داده است.

دیدگاه دوم: عده‌ای در مقابل مشهور، متعلق زکات را بیش از موضوعات

۱. قرآن در حدود ۲۲ مورد به بحث زکات و اهتمام در انجام آن پرداخته است.

نه گانه می دانند؛ هرچند این توسعه در متعلق زکات نیز متفاوت دیده شده است. گروهی این توسعه را تنها در غلات و حبوبات می دانند؛ زیرا در لسان روایات همین گونه وارد شده است و برخی دیگر این توسعه را عام و فراگیر و شامل همه موضوعات می دانند.

اصل احکام الهی (حلال و حرام) همواره پابرجا و ثابت بوده است و هیچ تغییری را در شرایط عادی، بر نمی تابد. مراد از شرایط عادی، عدم اضطرار است. گاهی شرایط عادی، با حکم ثانوی از بین می رود و امام یا نایب او در زمان غیبت می تواند با توجه به شرایط و از روی اضطرار و با رعایت مصالح جامعه اسلامی، حکمی جدید بیان کند که با حکم اولی موجود در زمان پیامبر، متفاوت باشد.

امروزه با تغییر شیوه زندگی مردم از سنتی به مدرن، موضوعات زکات - که در عصر پیامبر مشمول حکم و جوب زکات بود - تغییر یافته و در بسیاری از کشورها یا به طور کلی از بین رفته یا به ندرت یافت می شود. به طور مثال در کشورهای اروپایی یا آسیای جنوب شرقی شتر یا خرما یافت نمی شود و محصولات کشاورزی نیز اغلب آن چیزی نیست که در شبه جزیره عرب آن روز وجود داشته است. برنج در برخی از کشورها به عنوان محصول عمده کشاورزی کشت می شود.

این عوامل و نیز عدم امکان چشم پوشی از زکات به عنوان یک واجب الهی، ما را بر آن داشت که به بازنگری در اصول و قواعد تعیین موضوعات متعلق زکات پردازیم. از سویی متعلق زکات از زمان پیامبر تاکنون، در همان موضوعات نه گانه زمان پیامبر باقی مانده است و هیچ گاه در گستره زمانی و مکانی اسلام، تغییر نکرده است. از سوی دیگر، زندگی مدرن و صنعتی امروز که با دنیای الکترونیک به هم وابسته شده است، روش های خاص خود را در حوزه اقتصاد می طلبد. از این رو،

هرچند اصل تجارت تغییر نکرده، اما روش های آن بسیار متفاوت تر از قبل شده است. سرازیر شدن بخشی عظیم از سرمایه های مردم در بازارهای تجاری، بحث بورس و اوراق بهادار، تجارت اینترنتی، کارت های الکترونیکی و ... ما را ملزم به بازنگری در این حوزه می کند.

موضوعات متعلق زکات در روایات

همان گونه که گفته شد، عمده دلیل اختلاف نظر بزرگان، در بحث موضوعات متعلق زکات، مربوط به روایات است. روایات مستند دو گروه (روایات دال بر انحصار و روایات دال بر عدم انحصار) در این بخش ذکر و سپس تعارض موجود تبیین و راه حل این تعارض نیز ذکر می شود.

در این بحث ده دسته روایت وجود دارد که به صورت کلی و فهرست وار ذکر می شود. تفصیل این مطالب و نیز اصل روایات در جای خود خواهد آمد:

۱. روایاتی که در آنها احادیثی با سند صحیح از پیامبر (ص) و ائمه (ع) نقل شده که در آن به طور صریح زکات تنها در نه موضوع قرار داده شده است. البته در سند بعضی از این احادیث می توان خدشه کرد؛ زیرا در اکثر آنها علی بن فضال قرار دارد که فطحنی مذهب است؛ گرچه توثیق شده است.

۲. روایاتی که بیانگر عدم حصر زکات در موضوعات نه گانه است. بیشتر این احادیث از صادقین علیهما السلام نقل شده است. باید توجه داشت که در این گروه، هیچ حدیثی از پیامبر (ص) نقل نشده است. این مطلب از دو جهت قابل بررسی است:

اول. زکات در زمان پیامبر فقط در همان موضوعات نه گانه بوده و افزایش یا کاهش موضوعات متعلق زکات در عصرهای بعد از پیامبر صورت گرفته است.

دوم. این افزایش موضوعات متعلق زکات به سبب اختیار حاکم اسلامی و

طبق مقتضیات زمان و مکان بوده، نه به سبب اضطرار؛ گرچه نظر برخی بر خلاف این است.

توضیح اینکه، وجوب زکات در آیات قرآنی، به صورت عام وارد شده و اختیار تعیین موضوعات آن به حاکم اسلامی سپرده شده است؛ از این رو، پیامبر (ص) به عنوان حاکم اسلامی، زکات را فقط در نه مورد قرار داده است. در زمان حضرت علی (ع) زکات علاوه بر موضوعات نه گانه، بر اسبابان ماده غیر معلوفه نیز قرار داده شد؛ البته به نظر برخی، این عمل امام (ع)، نوعی وضع مالیات بود نه زکات.^۲

در جواب می توان گفت: اولاً بر این عمل در لسان روایات عنوان زکات داده شده است. ثانیاً خود زکات نیز نوعی مالیات است و هیچ سندی دال بر اینکه عمل امیرالمومنین، مالیات بستن بر اسب باشد نه زکات وجود ندارد.

۲ - ۱. احادیث دال بر انحصار موارد زکوی

۱. محمد بن علی بن حسین باسناده عن الحسن بن محبوب، عن عبدالله بن سنان، قال ابو عبدالله (ع): انزلت آیه الزکاه «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم وتزکيهم بها» فی شهر رمضان. فامر رسول الله (ص) منادیه فتادی فی الناس: ان الله تبارک وتعالی قد فرض علیکم الزکاة کما فرض علیکم الصلاة، ففرض الله علیکم من الذهب والفضة والابل والبقر والغنم، و من الحنطة والشعیر والتمر والزبيب ونادی فیهم بذلك فی شهر رمضان، و عفا لهم عما سوی ذلك؛^۳

آیه زکات «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکيهم بها» در ماه رمضان نازل

۲. مجله فقه اهل بیت (فارسی)، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۸، زکات و پرسمان های نوپیدا.

۳. شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۵.

شد. رسول خدا امر کرد که منادی بین مردم ندا دهد که همانا خدای تبارک و تعالی، زکات را بر شما واجب کرد، چنانچه نماز را بر شما واجب فرمود. خداوند بر شما زکات را در طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند و جو و گندم و خرما و کشمش واجب کرد و در غیر آن، شما را بخشید و این در ماه رمضان بود.

باید توجه داشت که از قبل، حکم زکات در آیات فراوان و از جمله آیات مکی نازل شده بود و آیه ای که در اواخر عمر رسول الله (ص) نازل شد (خذ من اموالهم صدقه ...)، مطالبه زکات و اخذ آن با فرستادن عمال صدقه بود.^۴

این حدیث، گرچه به روشنی موضوعات متعلق زکات را در نه چیز منحصر کرده است؛ اما با دقت می توان دریافت که روایت بیانگر یک واقعه تاریخی (نزول آیه زکات در ماه رمضان) می باشد و در صدد بیان حصر متعلقات زکات، نیست.

۲. عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن العباس بن معروف، عن علی بن مهزیار قال: قرأت فی کتاب عبدالله بن محمد الی ابی الحسن (ع) جعلت فداک: روی عن ابی عبد الله (ع) انه قال: وضع رسول الله (ص) الزکاه علی تسعة اشیاء: علی الحنطة والشعیر والتمر و الذییب و الابل والبقر والغنم و الذهب والفضه و عفا رسول الله عمّا سوی ذلك. فقال له القائل: عندنا شیء کثیر یكون بأضعاف ذلك. فقال: و ما هو؟ فقال له: الارز. فقال ابو عبدالله (ع) أقول لك: ان رسول الله وضع الزکاه علی تسعة اشیاء و عفی عما سوی ذلك و تقول عندنا ارز و عندنا ذره و قد كانت الذره علی عهد رسول الله. فوقّع (ع): كذلك هو و الزکاه علی کل ما کیل بالصاع؛^۵

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۷۳.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۶.

از محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از عباس بن معروف از علی بن مهزیار نقل شده است که: در نامه عبدالله بن محمد به امام هادی (ع) خواندم که نوشته بود: فدایت شوم از امام صادق (ع) روایت شده است که پیامبر (ص) زکات را در نه چیز قرار داد: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره؛ و باقی مانده آن را بخشید. گوینده به امام عرض کرد: نزد ما اموال زیادی، چندین بر آن چیزها وجود دارد. امام به او فرمود: چه چیزی؟ گفت: برنج. امام صادق (ع) فرمودند: من به شما می گویم پیامبر زکات را در نه چیز واجب کرد و غیر آن را بخشید و تو می گویی نزد ما برنج است، نزد ما ذرت است، در حالی که ذرت در زمان رسول خدا نیز بود. سپس امام هادی علیه السلام این گونه نگاشت: چنان است آن و زکات در هر چیزی است که با پیمانگی کیل شود.

شیخ طوسی (ره) این حدیث را در دو کتاب استبصار و تهذیب آورده است. شیخ که دلالت این حدیث و نظایر آن را در باب زکات بر افزون نسبت به عناوین نه گانه از باب استحباب می داند، در شرح این حدیث، در کتاب تهذیب الاحکام می نویسد:

چنانچه امام (ع) از کلام خود که فرمود: «در هر چه که با پیمانگی کیل شود، زکات است»، استحباب را اراده نکرده باشد، گفتار سائل نیز مبنی بر اینکه که تنها در نه چیز زکات است و در باقی مانده، زکات بخشیده شده است؛ تأیید نمی کرد. امام صادق (ع) این سخن سائل را که گفت: نزد ما برنج است، انکار کرد تا او را آگاه کند که در برنج و ازرن و مانند آن، زکات واجب نیست. در غیر این صورت، قول حضرت که فرمود: «چنان است آن» (کذالک هو) با آنچه فرمود: زکات در هر چیزی است که با پیمانگی کیل شود، متناقض می شود و تناقض در کلام معصومان راه ندارد.^۶

۶. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۸.

این روایت که با چند سند نقل شده، شاهد بر مدعای ما است؛ زیرا با آنکه حضرت هادی(ع)، روایتی را که از حضرت صادق(ع) نقل شده، تصدیق کردند، فرمودند: «زکات در هر چیزی است که کیل شود» و بدیهی است مناقضه ی حکم مزبور را با مفاد آن روایت نمی توان دفع کرد مگر اینکه بگوییم: آنچه از شرع در این باره رسیده اصل تشریح این فریضه مالی و مالیات اسلامی است و تعیین مقدار و موارد تعلق آن در اختیار مقام حکومت اسلامی است که به حسب صلاحدید و مقتضیات اوضاع مردم آن را در هر زمان و محلی و نیازهای اجتماعی در هر عصر و موقعیتی تعیین می کند، یا در اصل تشریح بر تمام فرآورده ها و درآمدها بسته شده ولی به حکومت اسلامی اختیار داده شده که طبق صلاحدید، زکات برخی از فرآورده ها را ببخشد.

در این حدیث با صراحت اعلام شده که زکات منحصر در عناوین نه گانه نیست و با عبارت «الزکاة علی کل ما کیل بالصاع» بدان تصریح شده است، ولی نکته این است که این حدیث، گر چه کلیت و عدم انحصار زکات در موارد نه گانه را می رساند ولی فقط شامل حبوبات می شود.

۳. و فی عیون الأخبار عن حمزة بن محمد علوی، عن قنبر بن علی بن شاذان، عن ایبه، عن فضل بن شاذان، عن الرضا(ع) فی الحدیث قال: والزکاة علی تسعة اشیاء علی الحنطة و الشعیر و التمر و الذییب و الابل و البقر و الغنم و الذهب و الفضة.^۷

قنبر بن علی امامی مجهول است و روایتش ضعیف است.^۸

۴. اَبی رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى الْعَطَّارُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَمَّاطِ،

۷. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴.

۸. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۴.

عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الزَّكَاةِ، فَقَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةٍ وَعَقَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ الْحِنْطَةَ وَالشَّعِيرَ وَالتَّمْرَ وَالزَّيْبَ وَالذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَالْبَقْرَ وَالغَنَمَ وَالْإِبِلَ. فَقَالَ السَّائِلُ: فَالذُّرَّةُ؟ فَغَضِبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: كَانَ وَاللَّهِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّمَّاسِمُ وَالذُّرَّةُ وَالِدُخْنُ وَجَمِيعُ ذَلِكَ. فَقَالَ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِنَّمَا وَضَعَ عَلَى تِسْعَةٍ لِمَا لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ غَيْرُ ذَلِكَ. فَغَضِبَ وَقَالَ: كَذَبُوا، فَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَنْ شَيْءٍ قَدْ كَانَ وَكَأَنَّ اللَّهَ مَا أَعْرَفَ شَيْئًا عَلَيْهِ الزَّكَاةَ غَيْرَ هَذَا - فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ؛^۹

از امام صادق (ع) در باره زکات پرسیده شد. امام (ع) فرمودند پیامبر خدا (ص) زکات را در نه چیز قرار داد و ما بقی آن را بخشید: در جو، گندم و کشمش، خرما و شتر، گاو، گوسفند و طلا و نقره. راوی سؤال کرد پس ذرت چه؟ امام ناراحت شد و فرمود به خدا سوگند در زمان رسول الله (ص) ذرت، کنجد و ارزن بود. راوی پرسید: می گویند: اینها در زمان رسول الله (ص) نبود و به همین جهت رسول الله (ص) زکات را در نه چیز قرار داد. امام با ناراحتی پاسخ داد: دروغ می گویند، عفو معنا ندارد جز از چیزی که وجود دارد، نه به خدا قسم غیر از این موارد چیزی نمی شناسم که زکات بر آن باشد. «فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر».

در خصال نیز از طریق محمد بن حسن از محمد بن یحیی این روایت را آورده

است.^{۱۰}

این حدیث مرسل است و در احادیث کتب اربعه هم ذکر نشده است و این نکته

۹. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۵۴.

۱۰. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۴.

چه بسا موجب ضعف آن شود. اما اینکه روایت سؤال و جوابی است که در صدد بیان حکم فعلی است نه حکایت از عمل پیامبر، واضح است.^{۱۱}

در این حدیث درباره وجوب زکات در موارد نه گانه از لغت «وضع» استفاده شده و درباره ما بقی مواردی که زکات ندارد از لغت «عفا»؛ و جالب این است که امام این لغت را معنی هم کرده است و می فرماید اساساً عفو در جایی به کار برده می شود که چیزی وجود داشته باشد با توجه به این جهات گوناگون به نظر می رسد متن این روایت می رساند که خدای تعالی اصل وجوب زکات را تشریح فرموده و تعیین موضوعات متعلق زکات و مقدار آن را در اختیار پیامبرش قرار داده و پیامبر اسلام با اختیاراتی که خداوند به او تفویض فرموده است از اموال گوناگون این نه مورد را معین کرده و از ما بقی عفو کرده است.

۵. وَعَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ، عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَدَقَاتِ الْأَمْوَالِ، فَقَالَ: فِي سَعَةِ أَشْيَاءَ لَيْسَ فِي غَيْرِهَا شَيْءٌ فِي الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالغَنَمِ السَّائِمَةِ وَهِيَ الرَّاعِيَةُ وَلَيْسَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَيَوَانِ غَيْرِ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَصْنَافِ شَيْءٌ وَكُلُّ شَيْءٍ كَانَ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَصْنَافِ فَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ مِنْذُ يَوْمٍ يَبْتَدَأُ؛^{۱۲}

علی بن حسن فضال از علی بن اسباط از عمر بن اذینه از زراره نقل می کند که از امام محمد باقر(ع) در باره صدقات اموال پرسیدم. امام(ع) فرمود: در نه چیز می باشد؛ در طلا، نقره، گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند. در اموال دیگر غیر از این سه گروه [نقصدین، غلات و انعام] چیزی نیست و زکات این اصناف سه گانه یک سال بعد از به دست آوردنشان می باشد.

۱۱. همان.

۱۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۷.

ظاهر این خبر هم سؤال و جوابی است که در صدد بیان حکم فعلی در عصر امام باقر(ع) می باشد و ظاهراً موثوقه است و مراد از محمد بن زیاد، محمد بن ابی عمیر است. ۱۳

۶. و عنه(عن علی بن الحسن بن فضال) عن محمد بن عبد الله بن زرارہ عن محمد بن ابی عمیر عن حماد بن عثمان عن عبيدالله بن علی الحلبي عن ابی عبدالله(ع) قال: سئل عن الزكاه؟ قال(ع) الزكاه علی تسعة اشياء علی الذهب والفضه والحنطه والشعير و التمر والزبيب والابل والبقر والغنم وعفا رسول الله عما سوى ذلك. ۱۴

دلالت و سند این حدیث مانند حدیث قبل است.

هفت روایت دیگر با همین سبک و سیاق در وسائل الشیعه آمده است که به سبب پرهیز از اطاله کلام از آوردن آنها خودداری می کنیم. در این احادیث که اکثر آنها از علی بن حسن فضال نقل شده است، عباراتی نزدیک به هم آمده که زکات را از زبان پیامبر منحصر در نه مورد دانسته است و در آخر همه آنها «و عفا عما سوى ذلك» به چشم می خورد. ۱۵

حدیثی دیگر با همین مضمون به اسناد جعفر بن محمد حکیم از جمیل بن دراج از ابی عبدالله(ع) نقل شده است و فقط عبارت پایانی روایت متفاوت می باشد:

قال ابو عبد الله(ع): لا و قد اعلمتک ان رسول الله(ص) عفا عما سوى

ذلك؛ ۱۶

۱۳. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۵.

۱۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۸.

۱۵. همان، ج ۶۰، ص ۵۵.

۱۶. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۶۱.

امام صادق(ع) در پاسخ به شخصی که از وی درباره زکات برنج سوال کرده بود فرمودند: نه و من به تو اعلام کردم که پیامبر(ص) در غیر از نه مورد زکات را بخشید.

۲ - ۲. احادیث دال بر عدم انحصار موضوعات متعلق زکات

روایاتی وجود دارد که بر ثبوت زکات در غیر از این نه مورد دلالت دارند و شاید هم فقط در غیر از حبوبات چهار گانه. ظاهر این روایات وجوب زکات است؛ گرچه اصحاب آن را بر استحباب یا تقیه حمل کرده اند. این روایات در کتاب و سائل در باب نهم از ابواب «ما تجب فيه الزكاة» نقل شده است:

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ فِي حَدِيثٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ (ع) كَتَبَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ: الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ. قَالَ وَكَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَوَى غَيْرُهُ هَذَا الرَّجُلُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْحُبُوبِ، فَقَالَ: وَمَا هِيَ؟ فَقَالَ: السَّمْسِمُ وَالْأَرْزُ وَالذُّخْنُ وَكُلُّ هَذَا عِلَّةٌ كَالْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): فِي الْحُبُوبِ كُلِّهَا زَكَاةٌ وَرُويَ أَيْضاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ كُلُّ مَا دَخَلَ الْقَفِيزَ فَهُوَ يَجْرِي مَجْرَى الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْبِ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي جُعِلَتْ فِدَاكَ هَلْ عَلَى هَذَا الْأَرْزِ وَمَا أَشْبَهَهُ مِنَ الْحُبُوبِ الْحَمَّصِ وَالْعَدَسِ زَكَاةٌ؟ فَوَقَّعَ (ع) صَدَقُوا الزَّكَاةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ كِيلٌ؛ ۱۷

محمد بن یعقوب از محمد بن یحیی، از محمد بن عیسی از عباس بن معروف، از علی بن مهزیار در حدیثی نقل شده است که ابا الحسن، امام رضا(ع) به عبدالله بن محمد نوشت: زکات در هر چیزی که با پیمانانه کیل

۱۷. همان، ج ۹، ص ۶۱.

شود وجود دارد. گفت و عبدالله نوشت و غیر از او فرد دیگری از امام صادق(ع) روایت کرده است که از ایشان درباره زکات در حبوبات سوال شد. امام فرمود: منظور از حبوبات چیست؟ گفت: کنجد، برنج، ارزن و همه آنچه که شبیه جو و گندم است. امام صادق(ع) فرمودند: در تمام حبوبات زکات است.

در این روایات و روایات بعدی در اغلب موارد عبارت «کل ما کیل بالصاع» یا «کل شی کیل» به چشم می خورد که بیانگر یک حکم کلی می باشد؛ که گر چه انحصار زکات در موارد نه گانه را از بین می برد، اما در عین حال فقط می توانیم این عدم انحصار را به حبوبات به جز سبزیجات و حبوبات فاسد شدنی در یک روز، تعمیم دهیم. البته این استثنا به صورت صریح در روایات متعدد که برخی از آنها در ادامه خواهد آمد، ذکر شده است:

۲. عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (ع) إِنَّ لَنَا رَطْبَةً وَأَرْزًا فَمَا الَّذِي عَلَيْهَا فِيهِمَا؟ فَقَالَ (ع) أَمَّا الرُّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ وَأَمَّا الْأَرْزُ فَمَا سَقَّتِ السَّمَاءُ الْعُشْرُ وَمَا سَقَّتِي بِالْأَلْوِ فَنُصْفُ الْعُشْرِ مِنْ كُلِّ مَا كَلَّتِ بِالصَّاعِ أَوْ قَالَ وَكَيْلَ بِالْمِكْيَالِ؛^{۱۸}

کلینی از محمد بن یحیی از احمد بن محمد از محمد بن اسماعیل روایت کرده است که به امام رضا(ع) عرض کردم: ما مقداری برنج و یونجه داریم. آیا در آنها چیزی بر ذمه ماست؟ امام(ع) فرمودند: اما یونجه پس در آن بر تو چیزی نیست؛ اما در برنج، اگر از آب باران آبیاری شده باشد، یک دهم و اگر با دلو آبیاری شده باشد، یک بیستم از آن را که به پیمانہ در می آید، باید زکات دهی.

سند این روایت صحیح و دلالت آن بر وجوب ظاهر است و حمل آن بر تقیه با

آخر روایت که امام یک میزان کلی را در آنچه که زکات در آن واجب است، بیان می‌کند، منافات دارد؛ زیرا تقیه ضرورت است و ضرورات فقط به اندازه‌ای که رفع ضرورت کند، مقدور است و راوی از برنج سؤال می‌کند پس چه دلیلی وجود دارد که امام زکات را (در قالب حکمی کلی) در هر چه که به پیمانانه درآید، ذکر کند؟^{۱۹}

۳. وَعَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ، عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ ابَانَ، عَنْ أَبِي مَرْيَمَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَرِثِ مَا يُزَكَّى مِنْهُ فَقَالَ الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَالذَّرَّةُ وَالْأَرْزُ وَالسُّلْتُ وَالْعَدَسُ كُلُّ هَذَا مِمَّا يُزَكَّى وَقَالَ كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ؛^{۲۰}

از حمید بن زیاد از ابن سماعه از (شخص نامعلوم) از ابان از ابن مریم روایت شده است که از امام صادق (ع) پرسیدم کدام یک از محصولات کشاورزی زکات دارد؟ امام (ع) فرمودند: گندم، جو، ذرت، برنج، سلت (نوعی جو بدون پوست) و عدس. همه اینها زکات دارند. امام ادامه دادند هر محصولی که پیمانانه شود و به حد نصاب برسد در آن زکات است.

در سند این حدیث ارسال وجود دارد (عمن ذکره)، اما دلالت آن بر عدم انحصار موضوعات متعلق زکات در نه عنوان روشن است.

۴. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَرِثِ مَا يُزَكَّى مِنْهَا؟ قَالَ (ع): الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَالذَّرَّةُ وَالِدُّخْنُ وَالْأَرْزُ وَالسُّلْتُ وَالْعَدَسُ وَالسُّمْسِمُ كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَ أَشْبَاهُهُ؛^{۲۱}

۱۹. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲۰. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۶۲.

۲۱. همان.

از علی بن ابراهیم از پدرش از حماد از حریر بن عبدالله از محمد بن مسلم روایت شده است که پرسیدم کدام یک از محصولات کشاورزی زکات دارند. امام(ع) فرمود: گندم، جو، ذرت، ارزن، برنج، سلت، عدس و کنجد، در همه اینها و موارد شبیه به اینها زکات وجود دارد.

در این حدیث نیز چنانچه مشاهده می‌کنیم، امام یک حکم کلی را در قالب جمله «کل هذا یزکی واشباهه» را بیان می‌کند و از لحاظ مضمون مانند حدیث سابق می‌باشد.

سند این حدیث صحیح است.

احتمال دارد در این روایت سؤال از دو چیز باشد:

۱. سؤال از آنچه که در خارج، در عصر امام به حسب مطالبه حکام زکات دارد(حکم خارجی).

۲. سؤال از حکم شرعی.

احتمال اول جداً مخالف ظاهر است و ظاهر احتمال دوم، وجوب است. در جای خود گفته شده که جمله خبری که در مقام امر وارد شود از فعل امر دارای تأکیدی بیشتر در برانگیختن است. پس در واقع، امام در مقام بیان است و حکم وجوب شرعی را با جمله خبری بیان می‌کند. ۲۲

نکته دیگر اینکه، این روایت نیز تنها درصدد بیان حکم زکات در حبوبات و آنچه از زمین می‌روید است. دلیل آن نیز سؤال راوی است که گفت: «سألته عن الحرث» و امام در پاسخ «اشباهه» را نیز در عبارت پایانی روایت؛ یعنی شبیه حبوبات نام می‌برد.

۲۲. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲۳. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۶۳.

۵. ثُمَّ قَالَ وَرَوَى زُرَّارَةٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مِثْلَهُ وَقَالَ مَا كَيْلُ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ؛^{۲۳}

زراره از امام صادق (ع) روایتی همچون قبلی را روایت کرده است که در آن امام صادق (ع) می فرماید: هر آنچه با پیمانانه وزن شود و به حد نصاب برسد زکات دارد.

۶. وَبِالْإِسْنَادِ عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مِثْلَهُ وَقَالَ: كُلُّ مَا كَيْلُ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَقَالَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخَضِرِ وَالْبُقُولِ وَكُلِّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ.^{۲۴}

این روایت که کلینی از زراره نقل کرده است مانند روایت قبل است و افزون بر آنکه امام صادق (ع) می فرماید: هر چیزی که به پیمانانه در آید و به حد نصاب برسد زکات دارد؛ سپس می فرماید: رسول الله (ع) صدقه را در هر چیزی که از زمین می روید قرار داد؛ مگر در سبزی ها و تره بار و هر چیزی که در یک روز فاسد شود.

سند این روایت صحیح است و ظهور آن در وجوب روشن است و اگر امام در مقام تقیه باشد، چه لزومی داشت که در جواب طول دهد و یک میزان و معیار کلی بیان کند و آن را به پیامبر (ص) نسبت دهد، در حالی که امام قصد بیان حکم واقعی را ندارد.^{۲۵}

۷. وَعَنْهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): فِي الدُّرَّةِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ لِي: الدُّرَّةُ وَالْعَدَسُ وَالسُّلْتُ وَالْحُبُّوبُ فِيهَا مِثْلُ مَا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَكُلُّ مَا كَيْلُ بِالصَّاعِ؛^{۲۶}

۲۴. همان، ج ۹، ص ۶۳.

۲۵. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۷.

۲۶. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۶۳.

کلینی از ابراهیم بن هاشم از حماد از حزیر از زراره روایت کرده است که به امام صادق(ع) عرض کردم آیا در ذرت چیزی واجب است؟ امام(ع) به من فرمودند: در ذرت، عدس، سلت، و حبوبات، همانند چیزی است که در گندم و جو وجود دارد و هر چیزی که به پیمانه در آید و به حد نصاب برسد، زکات در آن واجب است.

این روایت موثوق و از طریق ابن فضال است. از اینجا بی اساس بودن نسبتی که در بعضی از نوشته ها به ابن فضال می دهند که وی تنها اخبار دال بر انحصار را روایت کرده، ثابت می شود. ۲۷ خبر به روشنی ظهور در وجوب دارد و راوی فقط از ذرت سؤال کرده است و اگر امام در مقام تقیه باشد غیر از مورد سؤال را پاسخ نمی داد؛ زیرا اضطراری به ذکر غیر مورد سؤال نداشت. ۲۸

۸. وَبِالْإِسْنَادِ عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): هَلْ فِي الْأَرْضِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرْضٍ فَيُقَالُ فِيهِ وَلَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ وَكَيْفَ لَأَيُّهَا يَكُونُ فِيهِ وَعَامَّةُ خُرَاجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ؛ ۲۹
کلینی با سند خود از حریر از ابو بصیر نقل می کند که به امام صادق(ع) عرض کردم: آیا برنج، زکات دارد؟ امام فرمودند: بله. سپس ادامه دادند: البته مدینه در آن زمان زمین مساعد برای برنج نداشت تا حکم به زکات آن شود، اما برنج زکات دارد و چگونه زکات نداشته باشد در حالی که عمده محصول عراق برنج است.

این روایت نیز موثوقه است و ظهور در وجوب دارد و اگر امام در مقام تقیه بود

۲۷. هیربد، بحثی در باره مسایل اقتصادی اسلام(زکات)، ص ۲۱۴.

۲۸. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۷.

۲۹. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۶۴.

دلیلی برای تفصیل بیان مسئله نداشت و جواب اجمالی با گفتن «نعم» کافی بود. ۳۰ در این روایت امام در پاسخ راوی می فرماید: چگونه در برنج زکات نباشد در حالی که عمده خراج و درآمد عراق از برنج است. معنی این سخن این است که مکان می تواند به عنوان یک عامل مهم در تعیین موضوعات متعلق زکات بر حسب محصولات غالب همان منطقه باشد.

اینها عمده و بلکه تمام روایات این باب بودند که در کتاب وسائل الشیعه آمده است و ظاهر این روایات بر وجوب زکات در غیر از موارد نه گانه مشهور دلالت دارد.

۳. تعارض اخبار

بیشتر روایاتی که هر دو دسته، از صحت سند برخوردارند، گرچه در میان این آنها، روایاتی نیز وجود دارد که ضعف سند دارند و آنها با مشکل روبرو است که به آنها اشاره کردیم.

در ظاهر میان این دو دسته روایات تعارض وجود دارد، برای رفع این تعارض راه حل هایی ارائه شده است که آنها را به حسب تقدم و تاخر زمانی ذکر و بررسی می کنیم.

۳ - ۱. روش یونس ابن عبد الرحمن در حل تعارض

راه حل اول از یونس در کافی ذکر شده است. کلینی بعد از نقل خبر یونس از ابن مسکان از حضرمی می گوید:

یونس بن عبد الرحمان می گوید: معنای این سخن که زکات در نه موضوع است و غیر از آن را پیامبر بخشیده، آن است که این بخشش در اول نبوت

۳۰. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۵۷.

بود، همان گونه که نماز در اول نبوت دو رکعت بود، سپس رسول الله (ص) هفت رکعت به آن اضافه کرد. زکات نیز چنین است که پیامبر در ابتدا بر نه مورد وضع کرد و سپس آن را بر همه حیوانات قرار داد.^{۳۱}

شاید یونس بن عبدالرحمن می خواهد بین روایاتی که بر وضع زکات در نه چیز توسط رسول الله (ص) دلالت دارد و بین روایاتی که دلالت بر وضع در غیر از نه عنوان دارد، جمع کند. کما اینکه در صحیح زراره نیز آمده که رسول الله (ص) صدقه را در هر چیزی که از زمین می روید، قرار داد، مگر در سبزیجات و تره بار و هر چیزی که یک روزه فاسد می شود.^{۳۲} اما این جمع درست نیست؛ زیرا مستفاد از اخبار دسته اول حصر زکات در نه مورد است؛ حتی بعد از پیامبر (ص) و بعد از عصر ایشان.

صاحب مدارك بر سخن یونس اینگونه اشکال کرده است:

این راه حل درستی نیست؛ زیرا اگر امام صادق (ع) فرموده است «عفا رسول الله (ص) عما سوی ذلک»، ولی باز عناوینی - به غیر از موضوعات نه گانه - واجب باشند، لازم می آید که شیء معفو عنه نباشد و این قول واضح البطلان است.^{۳۳}

۳- ۲. حمل بر استحباب

این راه حل را شیخ مفید در المقنعه مطرح و شیخ طوسی آن را تثبیت کرد و بسیاری از بزرگان بعد از وی نیز برای حل تعارض میان این دو دسته روایت به آن تمسک جستند.^{۳۴}

۳۱. همان، ص ۱۵۹.

۳۲. همان، ص ۱۵۹.

۳۳. موسوی عاملی، مدارك الاحكام، ج ۵، ص ۴۷؛ شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۲، ص ۴.

۳۴. همدانی، مصباح الفقيه، ج ۱۳، ص ۱۹.

بر اساس این راه حل، اخبار دسته اول بر ثبوت زکات در نه عنوان، نص است و روایات دسته دوم ظهور در ثبوت زکات در غیر از نه عنوان دارد. از این رو، ما به قرینه نص، از ظهور دست بر می داریم و روایاتی را که بر زکات در غیر از نه موضوع دلالت دارد، حمل بر استحباب می کنیم تا به هر دو دلیل عمل کرده و تناقض اخبار از بین برود.

شیخ حر عاملی در این باره می گوید:

در جمع میان روایات این طور به نظر می رسد که زکات در مازاد بر غلات چهارگانه از حیوانات دیگر مستحب است؛ زیرا از این روایات به طور صریح نمی توان وجوب استفاده کرد؛ اما از روایات دسته اول با صراحت حکم به عدم وجوب زکات در مازاد از نه عنوان استفاده می شود.^{۳۵}

در این راه حل، در ظهور روایات دسته دوم - که دلالت بر وجوب مازاد بر موضوعات نه گانه دارد - تصرف می شود و نوعی ارتکاب خلاف ظاهر است. صاحب الحدائق در رد این راه حل (حمل بر استحباب) می گوید:

شیخ طوسی اول کسی بود که روایات دال بر وجوب زکات مال التجاره را حمل بر استحباب کرد و فقیهان ما نیز به تبعیت از ایشان (همان گونه که عادت آنان، چنین است) به این راه حل تمسک کردند. بله اگر در یکی از روایات دلیلی بر استحباب بود، مشکل حل بود؛ اما خود استحباب یک حکم شرعی است که نیاز به دلیل دارد و مجرد اختلاف بین اخبار، نمی تواند دلیل بر آن باشد؛ چنانکه بر خود مصنف (شیخ) نیز مخفی نیست و لذا با دلایل ذکر شده، نمی توان حمل روایات بر استحباب را درست دانست و باید راه دیگری بیابیم که همان تقیه است.^{۳۶}

۳۵. بیات، منابع مالی دولت اسلامی، ص ۷۳.

۳۶. بحرانی، الحدائق الناظرة، ج ۱۲، ص ۱۵۰.

۳-۳. حمل بر تقیه

راه حل دیگر برای حل تعارض بین روایات این است که روایات دسته دوم را حمل بر تقیه کنند؛ زیرا وجوب زکات در غیر از عناوین نه گانه، موافق مذهب مالک و ابوحنیفه و شافعی و غیر از آنان از علمای عامه است. در نتیجه، این روایات در صدد بیان احکام واقعی نبوده و از مصادیق تقیه است.

به نظر می‌رسد اولین کسی که این راه را برای حل این تعارض برگزید، سید مرتضی باشد. وی که از بزرگترین شاگردان شیخ مفید است، جمع استادش (حمل بر استحباب) را نپذیرفت و در کتاب الانتصار بر عدم وجوب زکات در غیر از عناوین نه گانه ادعای اجماع کرده است. صاحب حدائق و صاحب مصباح الفقیه نیز از جمله بزرگانی هستند که از این روش تبعیت کرده‌اند.

سید مرتضی در انتصار می‌فرماید:

اگر گفته شود که چگونه می‌توان ادعای اجماع امامیه را مبنی بر واجب نبودن زکات در مازاد بر عناوین نه گانه، مطرح کرد در حالی که ابن جنید در آن مخالف است و قائل شده است که زکات در جمیع حیوانات واجب است و برای این قول روایات زیادی از ائمه ما نقل کرده و گفته است که یونس نیز به این قول گرایش دارد؟ در پاسخ می‌گوییم: اعتباری به فتاوی‌ای نادر ابن جنید و یونس نیست و اخباری که ابن جنید به آن تمسک کرده و از طریق شیعه امامیه وارد شده با روایات اظهر و اکثر و قوی معارض است و ممکن است این روایات را بر تقیه حمل کنیم؛ زیرا بسیاری از مخالفین امامیه به این سمت رفته‌اند که زکات در تمام اصناف آن واجب است.^{۳۷}

در کتاب الحدائق نیز چنین آمده است:

در نزد من اظهر این است که این اخبار را بر تقیه حمل کنم؛ زیرا تقیه در

۳۷. سید مرتضی، الانتصار، ص ۷۷ و ۷۸.

اختلاف اخبار اصل هر مشکل است. البته همان گونه که در المتهی آمده است قول به وجوب زکات در این اشیاء (در غیر از موارد نه گانه) روش شافعی، ابوحنیفه، مالک، ابویوسف و محمد می باشد.

وی سپس با اشاره به روایت شیخ صدوق در معانی الاخبار را می آورد و صحیحه علی بن مهزیار، می نویسد:

... در آنجا سائل بعد از آنکه در نامه به انحصار وجوب زکات در نه مورد اقرار می کند، امام (ع) ضمن آنکه سوال ایشان درباره زکات برنج را به نفی جواب می دهد به راوی می فرماید: زکات در هر چیزی که به پیمانۀ در آید وجود دارد. حال اگر کلام امام را بر تقیه حمل نکنیم در سخنان امام (ع) تناقض پیش می آید. اگر استحباب مراد باشد این حکم برای اصحاب ائمه که در زمان ایشان زندگی می کردند، پنهان نبود و نیازی به پرسیدن آن از امام معصوم نبود. حتی اگر بپذیریم که این امر یعنی استحباب مازاد بر عناوین نه گانه بر اصحاب ائمه مخفی باشد، ظاهر این است که امام در جواب می فرمود: مراد از عناوینی که از آنها ظهور در وجوب فهمیده می شود، استحباب است چون سائل خود به وجوب موارد نه گانه اقرار می کند.^{۳۸}

صاحب مصباح الفقیه بعد از اینکه به وجوه سه گانه در جمع اخبار، اشاره می کند، می فرماید:

خلاصه کلام این که جمع بین اخبار متعارض به اینکه یک دسته از آنها را بر استحباب حمل کنیم، گر چه فی حد ذاته نسبت به حمل آن بر تقیه بهتر است - چون تقیه در واقع یک نوع طرح و کنار گذاشتن دسته ای از روایات است تا اینکه جمع اخبار باشد - اما این حمل بر استحباب در جایی غیر از این مقام است که احتمال تقیه در آن به واقع نزدیک تر است تا حمل بر استحباب. اما

۳۸. بحرانی، الحدائق الناظرة، ج ۱۲، ص ۱۰۹.

مشکل این جا این است که هیچ نشانه‌ای از احتمال تقیه وجود ندارد و نه از مواردی است که برای امام هیچ راه و چاره‌ای نباشد از اینکه با بیان واقع، اظهار مخالفت کند و حکم حقیقی را بگوید؛ بنا بر اینکه - چنانچه ما در محل خود گفتیم - در حجیت ظواهر الفاظ، افاده ظن به مراد شرط نیست؛ بلکه عدم ظن به خلاف نیز شرط نیست. ۳۹

انصاف هم این است که حمل اخباری که زکات را بر سایر اجناس افزون بر نه چیز ثابت می‌کند، بر تقیه صحیح‌تر است؛ مگر اینکه گفته شود: خود صدقه بالذات رجحان دارد و امکان اراده استحباب صدقه به عنوان زکات و لو به طریق توریه و همین طور فتوی اصحاب، کافی در اثبات استحباب آن از باب مسامحه باشد.

حمل بر تقیه باید با قرائن خارجی و داخلی نیز تأیید شود. اما قرینه خارجی، شهرت فتوایی به وجوب زکات در غیر از نه عنوان در مذاهب عامی است و قرینه داخلی، بسیاری از اخبار این باب را شامل می‌شود؛ از جمله: مرسله قماط، صحیح ابن مهزیار، روایت زراره روایت طیار که در روایات دسته اول آمده است. این اخبار به اضافه تأکید ائمه (ع) در اخبار فراوان، به اینکه رسول الله (ص) غیر از نه مورد را بخشیده، مؤید این است که در مسأله تعارضی بوده که ائمه (ع) در صدد رفع آن بوده‌اند. ۴۰

اما این روش؛ یعنی حمل روایات دسته دوم (عدم انحصار زکات در عناوین نه گانه) بر تقیه، نیز دارای اشکالاتی است. مرحوم آیت الله منتظری در کتاب «الزکاه» این اشکالات را این چنین بر شمرده است:

اشکال اول. اینکه تصور شود ائمه علیهم السلام انسان‌های ضعیف و ترسویی

۳۹. همدانی، مصباح الفقیه، ج ۱۳، ص ۱۹.

۴۰. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۶۱.

بودند که با اندک ترسی از مردم حق را منقلب و آن را کتمان می کردند، غلط است. چنین چیزی چگونه ممکن است، در حالی که مبنای ائمه (ع) بر بیان حق و رفع باطل در هر امری بود که مردم را از مسیر حق منحرف می کرد. مگر نمی بینیم که ائمه چگونه عول و تعصیب در ارث و نماز جماعت تراویح و امثال آن که فقه اهل سنت بر آن استوار است را انکار می کردند. وظیفه امام حق دفاع از حق و جبهه گیری بر ضد آن به هر نحو ممکن است. خداوند می فرماید: «کسانی که آنچه را که ما از بینات و هدایت فرستادیم بعد از اینکه در کتاب برای مردم آشکار شد، انکار کنند خداوند آنها را لعنت می کند و لعنت کنندگان نیز آن را لعن می کنند.»^{۴۱}

اشکال دوم. تقیه ضرورت است و ضرورات فقط به اندازه رفع ضرر می باشد. اگر فرض کنیم این اخبار صحیح یا موثوق که بر ثبوت زکات در غیر از نه عنوان دلالت می کند، تقیه باشد، پس چرا امام به مقدار ضرورت سخن نفرموده؛ بلکه کلام را طول داده و چه بسا در برخی جاها آن را به پیامبر (ص) نسبت داده است در حالی که احتیاجی به آن نبود.

به عنوان مثال در موثوقه ابوبصیر، ابوعبدالله (ع) در جواب راوی که زکات در برنج را سؤال می کند، می فرماید: «بله». تا اینجا هم رفع ضرورت می شد و توضیحات دیگر احتیاج نبود؛ چون فرض این است که امام در حال تقیه است؛ اما امام جواب را ادامه می دهد و می فرماید: «کیف لا یكون فيه و عامه خراج العراق منه؟» در صحیح زراره و محمد بن مسلم نیز این گونه است.

اشکال سوم. انحصار زکات در نه چیز، تنها مختص شیعه نیست؛ بلکه برخی از اهل سنت نیز به آن فتوا داده اند و روایاتی از طریق آنها وارد شده است؛ از این رو، مجالی برای تقیه نمی ماند. به عنوان مثال در المغنی ج ۲، ص ۵۵۰ از ابن قدامه آمده که مالک و شافعی گفته اند: که در محصولات زکات نیست؛ مگر در

۴۱. سوره بقره، آیه ۱۰۹.

خرما و کشمش و در حبوبات زکات نیست مگر در چیزی که قوت باشد. از احمد بن حنبل نیز با همین مضمون نقل شده، مگر در خرما و کشمش و جو و گندم. این سخن از ابن عمر، سمی بن طلحه، حسن بن ابن سیرین، شعبی، حسن بن صالح، ابن ابی لیلی، ابن مبارک و ابی عبید نیز می باشد.

اینکه این ائمه چهارگانه اهل سنت که هم عصر امام باقر و امام صادق(ع) بودند، به انحصار رأی داده اند دیگر مجالی برای تقیه باقی نمی ماند. ۴۲

۳-۴. اختیار حاکم

اصل ثبوت زکات از قوانین اساسی اسلام و نیز اساس اقتصاد حکومت اسلامی است، در آیات قرآن نیز زکات همپایه نماز که عمود دین است قرار داده شده است. نکته دیگر اینکه ثروت و منابع اموال به حسب زمان ها و مکان های مختلف، متفاوت است. از سویی دین اسلام، برای همه مردم در همه زمان ها تشریح شده است و بر همین اساس بسیاری از احکام قرآن عام و کلی است؛ مثلاً در آیه زکات می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...»^{۴۳} در این آیه که خطاب به پیامبر(ص) است به صورت کلی و عام دستور به اخذ زکات از اموال مردم داده شده است.

بیان اموالی که زکات در آنها واجب است به اختیار رسول الله(ص) که حاکم اسلامی در عصر خود بود گذاشته شد، پیامبر نیز زکات را در نه چیز قرار داد؛ زیرا عمده ثروت عرب در عصر پیامبر همان نه چیز بود و مابقی آن را بخشید. و چه بسا ائمه(ع) در برخی از شرایط وقتی که مشاهده می کردند که زکات برای تقویت دولت جور، استفاده می شود و این حکومت ها با استناد به کلیت قرآن درباره موارد زکات

۴۲. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۶۳.

۴۳. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

سعی داشتند، با اجتهاد موارد زکات را به مال التجاره و زکات سایر حبوبات تعمیم دهند، برای تضعیف اقتصادی و ناتوان کردن آنها به محدود کردن منابع اقتصادی آنها روی آوردند. ۴۴

در این راه حل گفته می شود که اگر با دید وسیع حکومتی به مفاد روایات نظر شود، تعارضی دیده نمی شود؛ چون اسلام دین زندگی و حکومتی است و برای حاکمیت خود برنامه ریزی های مختلفی داشته است، از جمله پیش بینی منابع مالی دولت اسلامی است و زکات عمده ترین آنها است که به صورت کلی و عام در کل اموال تشریح شده است؛ اما تعیین و مقدار آن را به رهبر و زعیم جامعه اسلامی واگذار کرده است؛ به همین جهت هم پیامبر نه عنوان را تعیین و ما بقی را عفو کرده است.

همان گونه که عفو موضوعات متعلق زکات، در اختیار رهبر جامعه اسلامی است، اضافه کردن آنها نیز در اختیار اوست. روایات توسعه و تعمیم عناوین زکات نشان دهنده همین امر است، گاهی در همان نه عنوان (در زمان پیامبر) و گاهی بیشتر آن.

شاید دلیل واگذاری تعیین موضوعات متعلق زکات به حاکم، بدین جهت است که همان گونه که ثروت های مردم به حسب زمان ها و مکان ها مختلف است، نیازهای آنها نیز مختلف است و فقط حاکم و رهبر جامعه می تواند با اشراف خود بر نیازها و منابع جامعه، برای مصالح اقتصادی جامعه برنامه ریزی کند. مؤید این مطلب، جعل زکات توسط امیر المؤمنین (ع) بر اسب می باشد. ظاهر روایت این است که این جعل به نحو و جوب بوده نه استحباب.

در صحیح زراره و محمد بن مسلم از دو امام بزرگوار امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) آمده است: امیر المؤمنین (ع) بر هر اسب اصیل عربی در هر

۴۴. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۶۷.

یک سال دو دینار وضع کرد و بر بردون (اسب غیر عربی) یک دینار. مراد از این هم زکات بود نه خراج و مالیات؛ زیرا در صحیح زراره از آن با عنوان صدقه نام برده شده است. ۴۵

وضع امروز ما نیز مانند عصر امیر المومنین (ع) است؛ زیرا تقریباً اکثر منابع مردم به صورت پول نقد می باشد و از طرفی نقدین و انعام سه گانه منتفی شده و یا تنها در برخی مناطق یافت می شود، غلات اربعه نیز نسبت به منابع ثروت مردم کم شده است. نکته دیگر اینکه در بسیاری از کشورها به دلیل شرایط آب و هوایی و سایر شرایط، اکثر عناوین نه گانه وجود ندارند.

۵. نتیجه گیری

گرچه قول مشهور از گذشته تا کنون، انحصار زکات در موضوعات متعلق نه گانه آن بوده است؛ اما دلایل این قول قابل نقد و خدشه است؛ زیرا چنانکه گذشت دلایل قائلان به حمل روایات معارض با انحصار، بر استحباب، از جانب معتقدین به تقیه جرح و رد شد. از طرفی خود تقیه هم با دلایلی که ذکر شد با مشکل مواجه است و ناگزیر، راه سومی را باید برگزید و آن اختیار حاکم در تعیین موضوعات متعلق زکات آن هم به صورت حکم اولی و نه ثانوی است؛ زیرا اضافه کردن متعلق زکات به صورت حکم ثانوی را برخی از فقها قبول داشته و در آن بحثی نیست.

دیگر اینکه همه آیات قرآنی نازل شده درباره زکات به صورت عام است و هیچ تعیین یا تحدیدی در این باره وجود ندارد. لفظ "مال" در آیه به صورت مطلق ذکر شده است «خذ من اموالهم»؛ و تعیین موضوعات آن به عهده رسول الله گذاشته شده است؛ همچنین است در روایات فراوانی که در این باب وجود دارد که در جای خود ذکر شد.

۴۵. همان.

نکته قابل توجه در این اخبار عبارت پایانی برخی از آنها است که در آن عبارت «و عفا رسول الله عما سوی ذلک» آمده است. فاعل عفی در این عبارت، رسول الله (ص) است که موضوعات زکات را در نه مورد وضع کرده است و مابقی آن را بخشیده است.

این تعبیر در کمتر جایی در باب حدود و احکام به چشم می آید و دارای یکی از این دو معنا است:

۱. بخشش رسول الله (ص) نسبت به باقی مانده موضوعات متعلق زکات از باب تفویض در تشریح باشد، چنانکه در رکعات نماز آمده است که از اختصاصات رسول الله (ص) است.

۲. این اختیار از باب تفویض در تنفیذ باشد که در این صورت تنها اختصاص به رسول الله (ص) ندارد و آن حضرت نیز به عنوان حاکم و امام، حکم به عفو کرد نه به عنوان منبع تشریح. در این توجیه عبارت عفی رسول الله را باید حمل بر معنای دوم کنیم.^{۴۶}

این معنا را دو دسته از روایات تأیید می کنند:

دسته اول روایاتی که بر وجوب زکات در غیر از نه عنوان دلالت دارند که آنها را نقل کردیم.

دسته دیگر، روایاتی است که دلالت دارند بر اینکه خداوند زکات را به اندازه نیاز فقرا، قرار داده است و تشریح زکات حتما کفاف نیاز فقرا را می کند، مانند این روایت که در وسائل آمده است:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ، فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا حَمَلَ الزَّكَاةَ فَأَعْطَاهَا عَلَانِيَةً لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ فِي

۴۶. مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، شماره ۱۰، ص ۱۶، مصاحبه با سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی.

ذَلِكَ عَيْبٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ
بِهِ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لَأَيُّفِيهِمْ لَزَادَهُمْ وَ إِنَّمَا يُؤْتَى الْفُقَرَاءَ فِيمَا أُوتُوا
مِنْ مَنَعٍ مِنْ مَنَعِهِمْ حُقُوقُهُمْ لَأَمِّنَ الْفَرِيضَةَ؛^{۴۷}

امام صادق (ع) می فرماید: همانا خداوند عزوجل زکات را واجب کرد همان
گونه که نماز را واجب کرد. پس اگر شخصی زکات مالش را به صورت
آشکار بپردازد در این کار بر او هیچ عیبی نیست؛ زیرا خداوند روزی فقرا را
به اندازه ای که نیازشان را برطرف کند، در اموال اغنیا قرار داده است و اگر
خداوند می دانست آنچه که برای آنها مقرر شده کفاف زندگی آنها را نمی
دهد، خود از اموال کسانی که فقرا را از حقوقشان منع کرده اند [اغنیایی که
زکات نمی پردازند] به فقرا می پرداخت.

نتیجه اینکه در هر زمان و در هر جا، حاکم اسلامی می تواند با توجه به شرایط
و مقتضیات زمان و مکان متعلق زکات را به بیش از نه چیز تعمیم دهد، یا آن را
محدود کند و این تغییرات نیز به حکم اولی است نه حکم ثانوی و اضطرابی.
البته باید این نکته را هم اضافه کنیم که با وجود ادله عقلی و نقلی که بر
شمردیم، باز هم نظریه عدم انحصار به قول برخی از بزرگان سخنی سنگین و پر
مسئولیت است. مرحوم منتظری بعد از اینکه دلیل بر حمل بر استحباب و حمل بر
تقیه را دارای مشکل می داند، این گونه می نویسد:

نمی توان بر استحباب فتوا داد؛ زیرا چنین جمعی تبرعی است. تقیه نیز با
مشکل مواجه است و قول به حصر زکات در نه عنوان نیز به جدّ مشکل
است؛ از این رو مسئله نزد ما مجمل است و احتیاط راه مفری برای مواردی
است که علم نداریم؛ از این رو باید گفت زکات در اضافه بر موضوعات نه
گانه، احتیاطاً واجب است، تا فتوای بدون علم نداده باشیم.^{۴۸}

۴۷. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۰.

۴۸. منتظری، کتاب الزکاة، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۶۹.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادریس حلی، محمد، السرائر، قم، موسسه نشر اسلامی چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۳. ابن فارس، ابوالحسن، احمد بن فارس بن زکریا، ترتیب مقایس الغه، ترتیب سید رضا علی عسکری و حیدر مسجدی، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ. ش.
۴. بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناظرة، ج ۱۲، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۵. بیات، اسدالله، منابع مالی دولت اسلامی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۶. تهرانی، علی، اقتصاد اسلامی یا مالکیت در اسلام، مشهد، کتابفروشی جعفریه، ۱۳۵۳ هـ. ش.
۷. جعفری، محمد تقی، منابع فقه، تهران، انتشارات انجمن مهندسين تهران، ۱۳۴۹ هـ. ش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۹، قم، انتشارات احیاء التراث، ۱۴۱۱ هـ. ق.
۹. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید کیلانی، تهران، نشر مکتبه الرضویه، بی تا.
۱۰. سید مرتضی، علم الهدی، الانتصار، بیروت، دار الاضواء، چاپ اول، ۱۹۸۵ م.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین ابن علی العاملی، مسالک الافهام فی شرح شرائع، ج ۲، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۹۹۳ م.

۱۲. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضر الفقیه، تهران، انتشارات صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه. ش.
۱۳. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، مصحح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۱ ه. ش.
۱۴. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الاستبصار، ج ۲، تهران، انتشارات دار الکتب، ۱۳۹۰ ه. ق.
۱۵. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۴، بیروت، انتشارات دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ ه. ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مترجم، سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۵۱ ه. ش.
۱۸. عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الباقر، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه. ش.
۱۹. منتظری، حسینعلی، کتاب الزکاة، قم، انتشارات مرکز العالمی الاسلامی للدراسات، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه. ق.
۲۰. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۵، مشهد، موسسه ال البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۰ ه. ق.
۲۱. همدانی، آقارضا، مصباح الفقیه (کتاب الزکاه)، چاپ سنگی. بی جا. بی تا.
۲۲. هیربد، علی، بحثی درباره مسایل اقتصادی اسلام (زکات)، تهران، انتشارات شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۵۲ ه. ش.
۲۳. یسوعی، لويس معلوف، المنجد، انتشارات اسلام، ۱۳۸۷ ه. ش.

مجلات:

۱. زکاة وانعکاسها فی المجالین اقتصادی و الاجتماعی، مجموعه مقالات، ریاط، انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محمد، ۱۹۹۴ م.
۲. مجله فقه اهل بیت (فارسی)، سال سوم، شماره ۱۰، زکات و پرسمان های نوپیدا، مصاحبه با سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی.

